هواللّه

دوست عزیز محترما نامهٴ شما به آقا میرزا احمد رسید من نیز مطالعه کردم از مضمون خوشنودی حاصل شد زیرا دلیل بر بلندی همّت و نیّت خیر بود مقالاتی که در مجلّهٴ تیاسفیها درج کرده بودی دلیل بر آن نیّت خیر است انسان عاقل و کاتب ماهر مقالاتی مینگارد که نتائجش ابدیست و فوائدش کلّی تا اینکه جمیع عالم انسانی توجّه بملکوت رحمانی نمایند و سنوحات رحمانیّه از حقیقت انسانیّه مانند سراجهای نورانی ساطع و لامع گردد امروز عالم انسانی محتاج تعالیم آسمانیست که روح این عصر و نور این قرن است زیرا مدنیّت مادّی طبیعی ترقّی فوق‌العاده نموده ولی مدنیّت الهیّه بکلّی فراموش شده و حال آنکه مدنیّت الهیّه مانند سراجست و مدنیّت مادّیّه مانند زجاج این زجاج بدون آن سراج تاریک است پس باید کوشید تا سراج آسمانی در زجاج انسانی برافروزد و عالم اخلاق روشن گردد و فضائل نامتناهی که زینت حقیقت انسانیست چون کوکب درخشنده جلوه نماید عالم طبیعت جولانگاه حیوان است چون نظر بهر حیوانی نمائی ملاحظه میکنی که مواهب عالم طبیعت در آن حیوان در نهایت کمال جلوه نموده که از برای انسان شاید میسّر نیست مثلاً ملاحظه نما که مرغی خوش‌الحان در نهایت حسن و جمال در فراز کوهی بر اعلی شاخهٴ درختی آشیانه نموده این لانه فی‌الحقیقه بر قصور ملوک شرف دارد هوا در نهایت لطافت منظر در غایت حلاوت آب در نهایت عذوبت کوهسار سبز و خرّم و جمیع خرمنها در دشت و صحرا دولت و ثروت این مرغ از هر خرمنی بخواهد دانه چیند نه زحمتی نه مشقّتی نه فکری نه تدبیری نه حزنی نه المی نه حسرت و اسفی شب و روز در این لانه و آشیانه بنهایت سرور کامرانی مینماید پس ثابت شد که مواهب عالم طبیعت در عالم حیوانی جلوهٴ اعظم دارد امّا این انسان بیچاره گهی آواره گهی بیمار گهی ناتوان گهی گرفتار گهی در فقر و فاقه گهی در حال خطرناک شب و روز میکوشد و میجوشد تا یک پارهٴ نان بدست آرد پس قیاس نمائید چه‌ قدر فرق در میان حیات انسان و حیات حیوانست لهذا واضح شد که مواهب عالم طبیعت در عالم حیوان بیشتر جلوه دارد امّا انسان هرچند از این مواهب طبیعی بهرهٴ تام و نصیب موفور ندارد لکن در عالم الهی مظهر الطاف بی‌پایانست و مشکاة نور حقیقت است و آئینهٴ روشن جمال الهی و مظهر مواهب آسمانی و مطلع انوار الهی و دارندهٴ قوّهٴ قدسیّه‌ئی است که محیط بر جمیع کائناتست اینست که حقائق اشیاء را کشف مینماید و حکم بر طبیعت میکند و اسرار طبیعت را از حیّز کمون بحیّز ظهور میآورد شوکت طبیعت را میشکند قانون طبیعت را منهدم مینماید نظام طبیعت را بهم میزند گهی در هوا پرواز مینماید گهی بر سطح دریا تاخت و تاز میکند گهی در زیر دریا سمند براند جمیع اسرار مکنونهٴ مستورهٴ طبیعت را از حیّز غیب بحیّز شهود میآورد اینست که ناسخ قانون طبیعت و فاسخ نوامیس آنست و این قوّهٴ قدسیّه مخصوص انسان است و باین قوّهٴ معنویّه از سائر حیوانات ممتاز مادام چنین قوّتی دارد باید مظهر مدنیّت الهیّه شود و مطلع انوار ابدیّه گردد و مؤسّس کمالات آسمانی شود و مروّج تعالیم الهی گردد خدمت بعالم اخلاق کند جانها را مستبشر ببشارات اللّه نماید از نومیدی رهائی یابد و امید حیات ابدی جوید اینست شرف و منقبت عالم انسانی اینست سعادت ابدی

عبدالبهاء عباس

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر